

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۲۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۶/۸

میراحمد نوید مشعوف^۱، محمود طاووسی^۲

معرفی شاهنامه مصور مورخ ۱۰۴۴ ه.ق. کابل برای نخستین بار

چکیده

نسخه‌های خطی، تصویری و تاریخی و آثار مکتوبی که در موزه ملی یک کشور نگهداری می‌شوند جزو دارایی‌های فرهنگی و معنوی آن کشور به‌شمار می‌آیند و معرفی این آثار برای سایر ملل و یا آیندگان بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا بر همگان واجب است که در حد توان گامی درخور برای معرفی این آثار فرهنگی و هنری بردارند. در این مقاله سعی شده است تا گوشه‌ای از فرهنگ، تاریخ و آثار ادبی کشور افغانستان معرفی گردد چرا که ارائه آثار این کشور برای کشورهای هم‌جوار به‌ویژه ایران - که از اشتراکات فرهنگی - تاریخی و زبانی بیشتری با آن برخوردارند - امری ضروری به‌نظر می‌رسد. لذا ضمن معرفی نسخه مذکور و با ارائه چند داستان از آن به توصیف نگاره‌هایی چند نیز پرداخته می‌شود. این شاهنامه مورخ ۱۰۴۴ هجری قمری بوده و دارای ۱۴۰ تصویر با نگارگری محمد سمیع محمد شفیع و با خوشنویسی ارزنده عبدالرزاق ابن عطالله تهیه شده که تاکنون به جامعه ادبی و هنری جهان معرفی نشده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، شاهنامه، نگاره، عبدالرزاق ابن عطالله، محمد سمیع محمد شفیع.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران
E-mail: navidmashoof@gmail.com

۲. استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: Tavoosimahmoud@yahoo.com

مقدمه

نمیرم از این پس که من زنده‌ام که تخم سخن را پراکنده‌ام
 سرزمین بزرگ و باستانی ایران در طی چند هزار سال گذشته درخشان خود بزرگانی از فرمانروایان، شاعران، حکیمان، دانشمندان، هنرمندان، سرداران و جنگاوران در دامان خود پروراند که مایه سرافرازی و بلندنامی ما در جهانند و از میان بزرگ‌ترین و نامدارترین نام‌آوران افتخارآفرین، فردوسی طوسی پاکزاد جایگاهی ویژه دارد. نوشتن درباره شخصی که به مدت یک هزاره مورد علاقه و ستایش همه قرار دارد، بسیار دشوار است؛ زیرا احتمالاً هرگونه قضاوت ستایش‌آمیزی در این خصوص حمل بر مبالغه و تعصب خواهد شد. فردوسی پاکزاد قرن‌ها مورد توجه و عنایت قرار داشته و اثر بی‌نظیرش محفل‌آرای عوام و خواص بوده است. حکیم فردوسی منادی عزت و شرف در بین همه پارسی‌زبانان بوده و شاهنامه‌اش معتبرترین و موثوق‌ترین سند هویتی، تاریخی و ملی این سرزمین پهناور به حساب می‌آید (برتلس، ۱۳۶۹، ۱۹-۲۰).

این سخن برتلس ما را از هر گفتاری درباره حکیم فردوسی در اینجا بی‌نیاز می‌کند. لکن درباره شاهنامه اثر بی‌مانند فردوسی باید بگوییم در میان شاهکارهای ادب پارسی که نامی جهانی دارند، شاهنامه خدایندگار ادب پارسی حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی از مقام و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاهنامه منظومه ملی است که در خود، تاریخ این سرزمین پهناور را گنج‌انیده که بدون شک و اغراق می‌توان آن را حماسه بزرگ تاریخی دانست. شاهنامه فراخوان سفر است از خویشتن. فردوسی در این اثر کوشیده است که تا پرده از پیش چشم فرد برگیرد، جهان را آن سان که هست بدو باز نماید. چنانکه در میان آثار ادبی، کتاب شاهنامه تاکنون بیش از دیگر آثار مهم مورد توجه نگارگران به نام قرار گرفته است.

از همان هنگام که قصه‌های حماسی، دلاوری و پهلوانی و فرهنگی مردم این سرزمین در قرن چهارم ه.ق. به نظم درآورده شد، اشعار این ابرمرد سخن و ادب پارسی در میان مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. شعر فردوسی بیان دلپذیر، صادقانه و زیبایی بود که در دل هر پارسی‌زبان و پارس‌شناس، چه کوچک و چه بزرگ، جای گرفت. چون شاهنامه دیدی اخلاقی - جهانی نسبت به زندگی عرضه می‌دارد که صرف نظر از ملیت یک قوم، شامل همه مردم جهان است.

کسی کو بلند آسمان آفرید بدو در مکان و زمان آفرید
 کجا نور و ظلمت بدو اندر است ز هر گوهری گوهرش برتر است

منظومه شاهنامه و یا بزرگ‌ترین اثر ادبی و تاریخی ایران، در واقع متضمن اسناد و مدارک تاریخ ایران از دوران کهن تا اواسط سده اول هجری - دوران تسلط تازیان - بر ایران است. شاهنامه از یک‌سو مجموعه خاطرات و روایات مکتوب درباره نخستین پادشاهان افسانه‌ای ایران و در مواردی نیز یادآور حماسه جنگاوران و نگهبانان این سرزمین است؛ و از سوی دیگر متضمن داستان‌های افسانه‌ای درباره قهرمانان دلیری از طوایف بزرگ زمین‌دار است که به منزله تکیه‌گاه تاج و تخت سلطنت ایران به حساب می‌آمدند. همچنین حکایات عاشقانه و غنایی وقایع تاریخی - حماسی و روایات شفاهی مردمی است. ما دوران پیش از شاهنامه داریم و دوران پس از شاهنامه؛ یعنی پس از اینکه شاهنامه پدید آمد جریان تازه‌ای در تاریخ این سرزمین پهناور آغاز گشت. خود فردوسی به این موضوع توجه داشته که می‌گوید: من این نامه فرخ گرفتم به فال/ بسی رنج بردم به بسیار سال! منظور آن است که آن را به شگون گرفتم، یک حالت سعادت‌بخش در این کتاب دیدم، برای خودم و برای ملت بعد از خودم (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۹، ۲۱۱).

بدون شک شاهنامه توانست تاریخ، ادب و فرهنگ یک سرزمین پهناور را زنده نگهدارد و برای بهتر شناساندن داشته‌های آن تلاش بورزد. به گفته بهمن حمیدی: «شاهنامه برجسته‌ترین نمونهٔ مثنوی روایی است که تاریخ ما را از روزگار افسانه‌ها تا انقراض ساسانیان در قالب ۵۰ فرمانروا گزارش کرده است. این کتاب در عین حال مشحون از اندرزه‌های اخلاقی و آموزه‌های اجتماعی و سیاسی خود شاعر است که حضور او را در جای‌جای اثر تسجیل می‌کند. سراسر کتاب که بیش از ۵۰۰۰۰ بیت و در برخی نسخه‌های معتبر تا ۶۰۰۰۰ بیت می‌رسد، در بحر متقارب که بحری حماسی و پارسی است سروده شده است. (حمیدی، ۱۳۷۵، ۳۱-۳۲).

معرفی نسخه خطی شاهنامه مورخ ۱۰۴۴ ه.ق.

نسخه‌های خطی، تصویری، تاریخی و آثار مکتوبی که در موزه ملی یک کشور نگهداری می‌شود جزء دارایی‌های فرهنگی، تاریخی و ادبی آن کشور به‌شمار می‌آیند و معرفی این آثار برای سایر ملل و یا آیندگان بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا بر همگان واجب است که در حد توان گامی درخور آن فرهنگ بردارند. دقیق‌ترین و گویاترین آینه گذشته هر قوم و ملت آثار مادی و معنوی‌های برجامانده از تا به امروز است و مهم‌ترین منبع برای دریافت ویژگی‌های وجود آن محسوب می‌شود. مراجعه به داشته‌های فرهنگی - اعم از مادی و معنوی، ملموس و غیرملموس - امری است که بدون انجام آن هر طرح و برنامه‌ای به‌صورتی کاملاً اتفاقی صورت می‌یابد و آینده را بیشتر بر حدس و گمان و نه بر واقعیت ویژگی‌های وجودی استوار می‌سازد.

یکی از مهمترین ارکان بالندگی هر ملت زبان اوست. زبان پارسی و ادبیات عرفانی یکی از عوامل فخر و مباهات ما در میان ملل دیگر است و شیفتگی برخی از متفکران و دانشمندان غربی نسبت به آثار شاعران و عارفان این سرزمین پهناور گواهی بر این مدعاست. ژرفای زبان پارسی بی‌تردید مدیون تلاش اعجاب‌آور فردوسی پاکزاد بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرای این سرزمین است. معماری حکیمانه او در برپایی کاخی رفیع از نظم در زبان پارسی چنان استوار قامت افراشته است که در قرون و اعصار مصون از باد و باران و فرسایش، بر تارک فرهنگ پارسی - اسلامی می‌درخشد. چنانکه خود می‌فرماید:

بناهای آباد گردد خراب
پی افکندم از نظم کاخی بلند
ز باران و از تابش آفتاب
که از باد و باران نیابد گزند

شاهنامه کتابی نیست که تنها در وصف شاهان به نظم درآورده شده باشد؛ بلکه کتابی است که گذشتهٔ تاریخی، فرهنگی و ادبی‌مان را به ما (امروزیان) معرفی نموده و دید و باورهای مان را نسبت به گذشته روشن نموده باشد، بدون شک توانسته است در تمام مقاطع تاریخی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد و مورد توجه هنرمندان رشته‌های گوناگون قرار گیرد. در تمام دوره‌های تاریخی به‌ویژه از قرن هشت ه.ق. به بعد شاهنامه‌نگاری و یا شاهنامه‌خوانی رواج داشته است. شاهان و شاهزادگان هنردوست و هنرپرور در دربار خویش بهترین هنرمندان را گرد آورده بودند و به آنان احترام ویژه‌ای داشتند و خود عامل اصلی شاهنامه‌نگاری به‌شمار می‌روند.

شاهنامه‌ای که در این نوشته به معرفی و بررسی متن و برخی از نگاره‌ها از میان ۱۴۰ نگاره آن پرداخته خواهد شد در سال ۱۰۴۴ ه.ق. در دارالسلطنه قزوین عهد صفوی تهیه شده است (تصویر ۱). و در حال حاضر در آرشیو ملی کابل با نمره کتاب ۶۳ بر ۱۱ و شماره مسلسل ۱۴۴۴ نگهداری می‌شود. به گفته محمد عثمان رشید رئیس بخش نسخ خطی آرشیو ملی کابل،

این شاهنامه پیش از اینکه به آرشیو انتقال یابد با شماره خصوصی ۲۷ و شماره مسلسل ۲۲۷۱ در مجموعه خطی ارگ ریاست جمهوری قرار داشته و بعد از حکومت چهل‌ساله المتوکل الله اعلی حضرت محمد ظاهرشاه (شاه سابق افغانستان) به تاریخ ۱۳۶۲/۹/۵ خورشیدی به وزارت اطلاعات و فرهنگ آورده شد. تا اینکه بعد از فروپاشی حکومت سیاه طالبان به آرشیو ملی کابل منتقل و با شماره، ۶۳ بر ۱۱ و مسلسل ۱۴۴۴، ردیف ۷ ثبت و ضبط گردیده است (تصویر ۱). ناگفته نباید گذاشت، که در نخستین برگ‌های معرفی‌نامه این شاهنامه در متنی به زبان اردو آمده است: «شاهنامه فردوسی - قلمی بالتصویر؛ جوکی ۳۱۱ سال کی قدیمی کتاب هی» و در سال ۱۳۵۵ خورشید توسط یکی از دانشمندان پاکستانی، بایگانی شده است.

مشخصات نسخه مورخ ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان به شرح زیر است:

نام: شاهنامه فردوسی

تاریخ: ۱۰۴۴ هجری قمری

محل تدوین: دارالسلطنه قزوین

محل نگهداری: آرشیو ملی کابل افغانستان

شماره کتاب: ۶۳

شماره مسلسل: ۱۴۴۴

شماره خصوصی پیشین در دارالتحریر شاهی: ۲۷-۲۲۷۱

کاتب: عبدالرزاق ابن عطاءالله

نگارگر: ابن محمد سمیع محمد شفیع

تعداد برگ: ۷۰۰ تعداد نگاره‌ها: ۱۴۰ تعداد بیت‌ها: ۵۰۴۷۹

تعداد کتیبه‌ها: ۱۱۱۹ نوع خط: نستعلیق نوع جلد: لاکه روغنی، گل و بته‌دار

طول: ۴۴/۵ سانتی‌متر عرض: ۳۰ سانتی‌متر ضخامت: ۹ سانتی‌متر



شکل ۱. نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان.

مقدمه نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. کابل

این شاهنامه از معدود نسخ خطی باقیمانده‌ای است که داری مقدمه‌ای جامع و کامل بوده که در آن در راستای چگونگی سرودن شاهنامه، فضای اجتماعی و فرهنگی دربار سلطان محمود غزنوی و همچنان اندک معلوماتی از سرنوشت فردوسی به نگارش در آمده است. این مقدمه در آغازین برگ‌های شاهنامه در بیست و یک برگ نگارش شده، اما به دلیل زیاد بودن تعداد صفحات، ناگزیر از آوردن آن در این مقاله خودداری شده است.



شکل ۳. دومین برگ مذهب شاهنامه مورخ ۱۰۴۴ ه ق کابل، که نام حکیم فردوسی در آن به نگارش در آمده است، اندازه ۱۸/۵×۲۹ سانتی متر موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان



شکل ۲. نخستین برگ مذهب شده، که نام سفارش دهنده شاهنامه در آن ذکر گردیده است. (حسین بن کامران) اندازه ۱۸/۵×۲۹ سانتی متر، مربوط به نسخه خطی ۱۰۴۴ ه ق کابل، موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان

اندر ستایش خرد

نخستین بحث در شاهنامه، ستایش پروردگار و خرد است که در بیشترین نسخ، این بحث به صورت زیبایی تذهیب گردیده است. در این نسخه (۱۰۴۴ ه.ق.) هم نخستین برگ تذهیب شده مربوط به ستایش پروردگار است (تصویر ۴ و ۵).

در برگ تذهیب شده، از رنگ‌های طلایی خالص، لاجورد، فیروزه‌ای، آبی، شنگرف، سرخابی و همچنان سیاه استفاده شده است. در این لوح تذهیب شده بیتی از فردوسی پاکزاد به رنگ آبی به نگارش در آمده است. مصرع نخستین بیت در بخش بالا و مصرع دوم در قسمت پایان است که با تأسف واژه نخستین مصرع بالایی به درستی خوانده نمی‌شود و بقیه (... کاندرا سخن فردوسی طوسی نشاند) و مصرع پایانی، به دلیل مخدوش بودن و یا ساییده شدن خوانده نمی‌شود. در این لوح تذهیب شده، ترنج، نیم‌ترنج، گل و برگ، اسلیمی، ختایی و ساقه‌های طلایی‌رنگ با بته‌جقه‌های زیبا به تصویر کشیده شده است. و هنرمند بیشترین توان هنری خویش را در این دو لوح نخستین برگ‌های شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. نشان داده است.



شکل ۵. دومین لوح تذهیب شده اندر ستایش خرد، اندازه ۳۰/۴۴×۵ سانتی‌متر، مربوط به نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان.



شکل ۴. لوح تذهیب شده اندر ستایش خرد، اندازه ۳۰/۴۴×۵ سانتی‌متر، مربوط به نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان.

نگاره «بارگاه گیومرث»

بارگاه گیومرث نخستین داستان اساطیری شاهنامه است که حکیم طوس از نوشته‌های پهلوانی به نظم پارسی دری درآورده است و چنین آغاز می‌کند: تاریخ ایران باستان در دست نیست. درست نمی‌دانیم که آیین پادشاهی چگونه پدید آمده است. از گفته‌هایی که از زبان پدران به گوش پسران رسیده چنین برمی‌آید که گیومرث نخستین کسی بود که راه و رسم شاهی آغاز کرد و حتی روایت است که این پادشاه فرزانه بود که آیین لباس پوشیدن و نخود پختن به مردم آموخت.

پژ و هنده نامه باستان	که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت که آیین تخت و کلاه	گیومرث آورد و او بود شاه
از او اندر آمد همی پرورش	که پوشیدنی نو بُد و نو خورش
به گیتی درون سال سی شاه بود	به خوبی چو خورشید برگاه بود

از این پس به روایت شاهنامه، فرمانروایی پیشدادیان (نخستین سلسله داستانی ایران) را می‌بینیم که هر شاهی چیزی نو به مردم می‌آموزد و در حقیقت شهریار استاد گرانیمایه‌ای است که آموزش و پرورش مردم و تا اندازه‌ای پژوهش راه‌های زندگی بر عهده اوست. جهانداری شاه با نوعی بهبود اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و آموزش و پرورش و پژوهش در کشور هماهنگی دارد. شهریار دادگر آموزگار و رهبر و رهنما و خدمتگذار مردم است (رضا، ۱۳۷۴، ۳-۵).

چنانکه از محتوای شاهنامه برمی‌آید مسکن و جایگاه او (گیومرث) در کوه است، دارای فرّ شاهی است و مدتی از عمر خود را در جهان مینوی و بقیه را در زمین به‌سر می‌برد. همه جانوران و مردمان در خدمت او هستند، آن‌ها را می‌پروراند و پوشیدنی و خورش نو برای آنان پدید می‌آورد (همان، ۳۷). این داستان چون نخستین داستان شاهنامه است در اغلب شاهنامه‌ها به تصویر درآمده است که در زیر داستان بارگاه گیومرث از شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل ۶. بارگاه گیومرث، اندازه ۲۹×۱۸/۵ سانتی متر مربوط به نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل.

توصیف نگاره «بارگاه گیومرث» در شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق.

آسمان طلائی که در آن توده‌ای از ابرهای فشرده با رنگ خاکستری به خوبی نمایان است، کوه مخروطی شکل ناهموار با انواع رنگ‌های گوناگون و رده‌دار که بعضی از پیکره‌ها در قسمت‌های مختلف این کوه نشسته‌اند. قسمت اصلی کوه جایگاه گیومرث است که از لحاظ رنگی نارنجی مایل به قهوه‌ای است و با همه نقاط دیگر کوه فرق چشمگیری دارد. هنرمند کوشیده تا جایگاه گیومرث را رفیع‌تر و مهم‌تر به تصویر درآورد تا بیننده از همان ابتدا متوجه موضوع و شخص اصلی داستان گردد. این خود به نوعی مقامی را در علم پرسپکتیو نشان می‌دهد. در قسمت بالایی سمت راست جوانی با لباسی از پوست پلنگ و نیم‌تنه در حال تماشا کردن نشان داده شده است.

گیومرث در مرکز نگاره با قبایی از پوست پلنگ با کمربندی زرین و تاجی یا به عبارت دیگر کلاهی به رنگ پوست قاقم با رده‌های سپید و سیاه، سیامک را در قسمت راست نگاره با لباسی از پوست قاقم و ظرفی در دست و هوشنگ اندکی پایان‌تر از سیامک با لباسی از پوست پلنگ به تصویر کشیده است، همه درباریان و خادمان که در این نگاره تعدادشان به هشت تن می‌رسد لباس‌هایی از همین دو نوع جنس و رنگ به تن دارند. زمین این نگاره سبز تیره است و انبوهی از گل و بوته‌های سبزرنگ و سرخ را در بر دارد. از ویژگی‌های این نگاره هماهنگی فرم، رنگ و نوع چیدن پیکره‌هاست و آنچه به نظر جالب می‌رسد این است که در این نگاره بازتابی از هنر غرب را نمی‌بینیم. همچنین قابل یادآوری است که در این نسخه (شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق.) دو نگاره نخستین از تمامی جهات فرق قابل چشمگیری با دیگر نگاره‌های این شاهنامه دارند. به‌طور مثال در تمامی نگاره‌هایی که بعداً به آن‌ها پرداخته شده است، نام نگارگر به نوعی نوشته شده و ما به خوبی می‌دانیم خالق این نقاشی کیست، در حالی که در دو نگاره نخستین که رقم ندارد نمی‌دانیم صاحب این نقاشی کیست؟ و دیگر ویژگی این دو نگاره در رنگ‌ها و همچنان در نوع پرداخت و ساخت نگاره است که در نگاره‌های بعدی قوت دستی چینی را نخواهیم یافت. بیت‌های داستان در دو بخش بالا و پایین نگاره به صورت کتیبه‌گونه با خط زیبای نستعلیق به نگارش درآمده است (تصویر ۶) که دو بیت (چهار مصرع) در بالای سمت چپ و تعداد بیست و یک بیت در چهار ستون در بخش سمت چپ و پایین نگاره به نگارش درآمده است.

قابل توجه است که دو بیت (چهار مصرع) که در بخش بالای نگاره قرار دارد با ابیات همسان در شاهنامه خالقی مطلق تفاوت‌های زیادی دارد. مصرع‌های نخستین بیت پیش و پس شده و در بیت دوم نیز مصرع نخستین کاملاً فرق دارد. شاید مقبول به نظر برسد که دو بیت از هر نسخه را در زیر بیاوریم.

پلنگینه پوشیده خود با گروه همه‌شان ازو بود و آن پرورش	نبودی نشستن به جز برزکوه که پوشیدنی زو بد و هم خورش (نسخه ۱۰۴۴ ق.ه)
سر تخت و بختش برآمد زکوه ازو اندر آمد همی پرورش	پلنگینه پوشید خود با گروه که پوشیدنی نو بد و نو خورش (خالقی مطلق، جلد یکم، ۲۱-۲۲)

نگاره «رسیدن رستم نزد شاه سمنگان»

رستم که بسان آسودگان بی‌غم به خوابی ژرف فرورفته است، هنگامی که سر برمی‌دارد، به هر سو می‌نگرد رخس را نمی‌یابد. اما مگر می‌شود بدون بارگی به سر برد، هر اسپه هم که توانایی بارگران پیلتن را ندارد. وانگهی وقتی دلیران این داستان را بشنوند خواهند گفت که مگر رستم به خواب مرگ فرورفته بود که اسپش را در ربوند.

چه گویند گردان که اسپش که بُرد تهمتن بدین‌سان بخت و بمرد

رستم بدون رخس، دل افسرده رد پای اسپ را می‌گیرد و پیاده به سوی شهر روان می‌شود. به شاه سمنگان خبر می‌رسانند که رخس رستم در نخچیرگاه از وی رمیده است و اینک رستم پیاده به شهر می‌آید. شاه و سران به پیشواز رستم می‌روند و او را پذیره می‌شوند. شاه به رستم می‌گوید ما همگان در این شهر فرمانبردار و نیک‌خواه توایم، «تن و خواسته زیر فرمان تست». رستم به شاه می‌گوید من رخس را بی‌افسار و لگام در مرغزار رها کردم، از من دور شد، سپاس می‌دارم اگر اسپم را بازجویند و اگر رخس را بازنیایم: «سران را بسی سر بیاید برید».

فضل‌الله رضا در این راستای این بیت می‌نویسد: «این تهدید رستم با برخورد مهرآمیز پادشاه سمنگان هم‌آهنگ نیست، اگر آن را بیت اصل شاهنامه بدانیم باید چنین بپنداریم که رستم سخت ناخشنود است و سخن درشت را ضرر نمی‌داند (رضا، ۱۳۷۴، ۲۱۴-۲۱۵). نگاره‌ای که تحت نام «رسیدن رستم به نزد شاه سمنگان» در نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ق.ه ترسیم شده، در بیشتر شاهنامه‌ها وجود ندارد.

فضای کلی این نگاره از رنگ‌های سرخ و سرخابی تشکیل شده است؛ آسمان آبی تیره است که وجود چنین آسمانی را در نگاره‌های پیش از این دوره با همین ساخت و پرداخت به‌درستی پیدا نمی‌توانیم کرد. کوه به رنگ صورتی مایل به آبی و با پرداخت سبز روشن به تصویر درآمده است، که همچنین وجود این نوع کوه را هم با همین نوع ساخت و پرداخت در نگاره‌های پیشین نمی‌توان یافت. زمین سبز و تعداد محدودی گل و بوته را می‌توان دید. در این نگاره تعدادی درخت وجود دارد که نوع طراحی و ساخت و پرداخت آن‌ها شباهت بسیاری به هنر غرب دارد. در قسمت بالایی سمت چپ نگاره (پشت کوه) جوانی را به تصویر کشیده است که در حال نگاه کردن به این ملاقات است، با تأسف چهره جوان به تصویر کشیده شده، تخریب گردیده است. هنرمند این نگاره ابن محمد سمیع محمد شفیع است، پیکره‌های اصلی داستان که در مرکز نگاره طراحی شده عبارتند از: رستم در سمت راست نگاره با لباس قهوه‌ای و رده‌های طلایی که گریزی حیوانی‌شکل (از سر گرگ) را بر دوش دارد با تاجی سپیدرنگ و چشم‌های کاملاً باز؛ در مقابل رستم، شاه سمنگان با بزرگان و درباریان که برای خوش‌آمدگویی آمده‌اند به تصویر درآمده است؛ شاه بر اسپ کبود سوار است و یکی از مهترانش چتری را برای سایه افکندن بر شاه در

دست دارد. نگارگر شاه را در حال احترام و همچنین تعجب در مقابل رستم به تصویر در آورده است و در تمام نگاره این حالت تعجب در چهره‌های پیکره‌ها به خوبی دیده می‌شود. در قسمت پایین سمت راست نگاره جوی آبی وجود دارد که همانند نگاره‌های دیگر آب نقره‌ای آن اکسیده و به سیاه تبدیل شده است. در این نگاره به درستی می‌توانیم تأثیر هنر غرب را مشاهده کنیم که در تمام عناصر به تصویر کشیده شده به نوعی از هنر غرب استفاده شده است. این نگاره از جمله نگاره‌هایی است که بیشترین تأثیر هنر غرب را می‌توان در آن یافت (تصویر ۷).



شکل ۷. رسیدن رستم نزد شاه سمنگان، هنرمند: ابن محمد سمیع محمد شفیع، اندازه: ۲۹×۱۸/۵ سانتی‌متر مربوط به نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل.

نگاره «گفتار اندر نبرد طوس با هومان ویسه»

فضای رنگی حاکم بر این نگاره بنفش است و با ساخت و پرداخت‌های نارنجی که در قسمت تپه‌ها تزیین شده به تصویر کشیده شده است. آسمان نگاره آبی تیره با ابرهایی اروپایی‌گونه است. آسمان به صورت یکنواخت از تیره به روشن در آمده است که این نوع ساخت آسمان در هنر غرب بیشتر کارایی داشته است و هم‌تراز این نوع آسمان را در هنر پیشین این سرزمین نمی‌بینیم. زمین نگاره سبز تیره است و با پرداخت‌هایی به رنگ سیاه و تک‌گلی به رنگ سرخ مایل به آبی در قسمت راست نگاره به تصویر کشیده شده است. اما آنچه به نظر قابل توجه است اینکه عنوان داستان «نبرد طوس با هومان ویسه» است، اما در این نگاره از نبرد و رزم خبری نیست. این نگاره برای بیننده بیشتر ملاقات یا دید و بازدید را القاء می‌کند، هنگام دیدن این نگاره بیننده فکر می‌کند موضوع داستان بازدید دو شاه سوار بر اسب با لباس‌های فاخر و تاج‌های تزیین شده است. هنرمند به خوبی توانسته صحنه را مطابق با موضوع داستان به تصویر بکشد. در این نگاره از ترکیب‌بندی متقارن استفاده شده است و هنرمند بیشترین سعی خویش را



شکل ۸. نبرد طوس با هومان ویسه، هنرمند: محمد شفیع، تاریخ ۱۱۱۱ ه.ق.، اندازه: ۲۹×۱۸/۵ سانتی متر مربوط به نسخه شاهنامه ۱۰۲۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان.

کرده تا بتواند دو سپاه را در مقابل هم به تصویر درآورد. اما آنچه به خوبی در آن دیده می‌شود این است که علاوه بر تأثیر هنر غرب، تأثیر هنر هند را هم بر هنرمند این نگاره مشاهده می‌کنیم، به طور مثال در ساخت و ساز تزیینات لباس‌ها، تاج‌ها و حتی زین و یراق‌های اسب‌ها. هنرمند دو سپاه را در مقابل هم به تصویر کشیده است و سپاهی که در سمت راست نگاره قرار دارد، تعدادشان کمتر از سپاهی است که در مقابل آن‌ها قرار دارد. در سپاهی که در سمت چپ نگاره وجود دارد، شاهی با لباس سبزرنگ با پرداخت‌های سیاه و گل‌های سرخ و تاجی طلایی با تزیینات هندی سوار بر اسب سپید به تصویر کشیده شده است. شاه دست به سینه در حال احترام به سپاه مقابل نشان داده، هم‌رکابان شاه با کلاه‌های طلایی‌رنگ و لباس‌های نارنجی، آبی،

سرخابی، با تزییناتی هرچند ناشکیبا به تصویر کشیده شده‌اند.

در سپاه مقابل که در سمت راست نگاره به تصویر درآمده است، شاه در بخش بالایی نگاره سوار بر اسبی قهوه‌ای رنگ روشن با لباس سرخ مایل به نارنجی با تاجی طلایی‌رنگ و همچنان با تزیینات هندی در حال نگاه کردن به سمت هم‌رکابان خویش به تصویر کشیده شده است. هم‌رکابان شاه سوار بر اسب‌های قهوه‌ای تیره، سپید، کبود مایل به آبی، و همچنین لباس‌هایی بنفش تیره، نخودی و سرخابی کشیده شده‌اند.

در قسمت مرکزی سمت پایین شخصی در حال نواختن ظاهراً بوقی است یا تقدیم کردن چیزی است؛ وی لباسی به رنگ طوسی با گل‌های سرخ و جوراب و کفش سپید دارد و در گوشه سمت چپ نگاره، جوان چوب به دستی با لباس سرخ و دامن آبی نشان داده است که به خوبی نمی‌توان وجود این جوان را با این نوع حرکت و وابستگی او را به موضوع داستان درک کرد. در قسمت بالایی نگاره جوانی در حال نواختن شیپور است که در مقابلش در سمت چپ نگاره هم به همین ترتیب جوانی دیگر با لباسی سرخ و کلاهی طلایی‌رنگ در حال نواختن شیپور است. دشت به رنگ بنفش با تعداد کثیری گل‌های سرخ‌رنگ و تک‌درختی سرومانند در نقطه مرکزی نگاره و با ساخت و پرداخت اروپایی نقاشی شده است.

تأثیرپذیری دو شیوه هندی و اروپایی در این نگاره بیش از اندازه به چشم می‌خورد. گویا هنرمند دوست داشته در نقاشی‌های خویش بیشتر تأثیرپذیری‌هایش را به تصویر بکشد، به عبارت دیگر بعد خارجی بیشتر در نقاشی‌هایش منعکس گردد تا خودش و هنر سرزمین خودش.

نگارگر در این نگاره نتوانسته موضوع اصلی داستان را به خوبی به تصویر بکشد. آنچه که در بالا هم ذکر شد ناهماهنگی داستان با تصویر از جمله موضوع‌های اصلی این نگاره به حساب می‌آید. همچنین عناصر بصری استفاده شده در نگاره از طراحی و قوت هنری ویژه‌ای برخوردار

نیست و ناهماهنگی در تمام نقاط نگاره به خوبی احساس می‌شود؛ به طور مثال: شیپورهای بلند، اسپ‌های قاطرمانند، تک‌درختی با پرداخت اروپایی در میدان نبرد و سرانجام پرچم‌های رنگی که هر دو گروه در مقابل هم دارند (تصویر ۸). در این نگاره همچنان بیت‌هایی در سمت بالا و پایین به صورت کتیبه‌گونه به نگارش درآمده است. نگارگر این نگاره، چنانکه در گوشه بالای سمت چپ آمده است: «رقم کمینه محمد شفیع ۱۱۱۱» است.

نگاره «رزم گشتاسپ و اژدها»

آسمان این نگاره با رنگ طلایی و توده‌ای از ابرهای خاکستری با پردازش سپید به نوعی بسیار ملایم و زیبا به تصویر درآمده است. فضای کلی نگاره از نگاه فرم، رنگ و تناسب با هم همنشینی ویژه‌ای دارند. کوه‌ها با رده‌های رنگی، سبز، سرخ روشن و قهوه‌ای ساخت و پرداخت گردیده، و در گوشه‌ای از این کوه، روباهی به تصویر کشیده شده است که نگاه به عقب دارد و تپه پایین‌تر از کوه با رنگ روشن‌تر و مایل به سرخ روشن (صورتی) کار شده است که در آن وجود بوته‌های خار سبز رنگ را می‌بینیم که زیبایی عجیبی بر نگاره افکنده است.

زمین نگاره به رنگ سبز تیره با گل‌های سرخ مایل به صورتی و پردازش‌های ملایم به تصویر درآمده است. چند درخت نیز در قسمت‌های مختلف این نگاره با رنگ سبز و پرداخت روشن‌تر از رنگ اصلی سبز درخت کار شده و تنه درخت به رنگ قهوه‌ای نقش گرفته است. در نگاره تعداد دو درخت دیده می‌شود که یکی از این درختان در قسمت راست نگاره در کنار جوی آب روان که احتمالاً با رنگ نقره‌ای است، به تصویر کشیده شده است که متأسفانه به دلیل گذشت زمان و همچنین به سبب اکسید شدن رنگ نقره، امروزه جز لکه رنگی سیاه چیزی دیگر نمی‌بینیم. همچنین در قسمت پایانی قسمت چپ نگاره درخت خشکی به تصویر درآمده است که آن هم در کنار جوی آب روان قرار دارد که از زیبایی ویژه‌ای برخوردار است.

در مرکز نگاره گشتاسپ با لباس قهوه‌ای با تزیینات ابری‌مانند و کمر بند لاجوردی و طلایی با دامن آبی خالدار و جوراب‌های قهوه‌ای به تصویر آورده شده است. به دست راست گشتاسپ شمشیر و به دست چپ خنجر است که به دهن اژدها فرو کرده، اژدها در قسمت چپ نگاره با رنگ آبی و رده‌های طلایی و شکم زرد و سرخ و بال‌های شعله‌ای شکل طلایی‌رنگ که از دهانش آتش بیرون آمده به تصویر کشیده شده است. در قسمت بالای سمت راست سه تن در حال دیدن این رزم هستند و هنرمند کوشیده است که تعجب در چهره‌های آنان به جلوه درآید و به خوبی از عهده این کار برآمده است. و همچنین در قسمت پایینی



شکل ۹. رزم گشتاسپ با اژدها، هنرمند نامعلوم، اندازه ۱۸/۵×۲۹ سانتی‌متر مربوط به نسخه خطی شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل.



شکل ۱۰. رزم بهرام چوبینه با ساوه‌شاه، هنرمند: محمد سمیع محمد شفیع، تاریخ ۱۰۱۹ ه.ق. اندازه ۲۹×۱۸/۵ سانتی‌متر مربوط به شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل.

سمت راست اسپه به رنگ قهوه‌ای با زین سرخ و آبی‌رنگ ترسیم شده است. ویژگی این نگاره را می‌توان در هماهنگی و همنشینی رنگ و تناسب زیبایی در تمام عناصر کار شده در نگاره مشاهده کرد. همچنین در این نگاره بسیار اندک می‌توان رد پای هنر غرب را پیدا نمود که آن هم فقط در قسمت پرداخت و ساخت درختان است (تصویر ۹). ناگفته نباید گذاشت که در قسمت بالا و پایین این نگاره به صورت کتیبه‌گونه ابیاتی از رزم گشتاسپ با اژدها را به نگارش درآورده‌اند، بیت‌های به نگارش درآمده در این نگاره با خط نستعلیق خوشنویسی شده‌اند.

نگاره «رزم بهرام چوبینه با ساوه شاه»

در این نگاره نیز همانند دیگر نگاره‌های ابن محمد سمیع محمد شفیع، تأثیرپذیری هنر غیر دیده می‌شود، اما آنچه که هنرمند به خوبی توانسته است به تصویر کشد و به نگاره جذابیت ویژه‌ای دهد، وجود یک ترکیب‌بندی منسجم است که صحنه اصلی داستان را در قسمت مرکزی نگاره به تصویر کشیده است.

در این نگاره بر خلاف نگاره‌های قبلی‌اش معلوم نیست که سپاه پیروز شده کیست یا سپاه شکست خورده کدام است، پیشروی سپاه بهرام را به خوبی می‌توانیم بنگریم، سپاه ساوه‌شاه در حال فرار و سپاه بهرام در حال دنبال کردن آن‌ها به تصویر کشیده شده است.

آسمان نگاره به رنگ آبی با ابرهای اروپایی‌گونه و تکرختی زردرنگ در قسمت سمت چپ آسمان با ساخت و ساز اروپایی به تصویر کشیده شده است. کوه و دشت به رنگ نخودی با ساخت و سازی به رنگ سرخ به گونه رده‌ای شکل آفریده شده است. چنانکه معلوم می‌شود بهرام در مرکز نگاره سوار بر اسپه قهوه‌ای، با لباس بنفش و کلاه‌خود در حال تاختن بر یکی از سواران ساوه‌شاه است و به گمان همان ساوه‌شاه باشد. ساوه‌شاه در حال افتادن از اسپه سپیدرنگ با لباس بنفش تیره نشان داده است. قسمت بالای این نگاره تیر پرتاب کردن دو تن از سربازان ساوه‌شاه را نشان می‌دهد که یک تن سوار بر پیل طوسی‌رنگ با زین و پالان سرخ‌رنگ و دیگری بر اسپه کیود سوار است که این دو تن از لحاظ طراحی شباهتی زیاد با هم دارند؛ این دو تن در حال پرتاب کردن تیر به سوی سربازان بهرام هستند. سربازان بهرام در حال دفاع از خویش با لباس‌های بنفش تیره و سرخ به تصویر کشیده شده‌اند.

در قسمت پایین نگاره دو تن با لباس‌های آبی کم‌رنگ با شلوار سرخابی، و فرد دیگری با لباس سرخ و شلوار سبز به حالت افتاده (هلاک) به تصویر کشیده شده‌اند و همچنین هنرمند در قسمت پایینی سمت چپ نگاره سه سر بریده را به تصویر کشیده است که به گمان اغلب از سپاه

ساوه‌شاه هستند. همانطور که از نام نگاره پیداست صحنه رزم و نبرد بین دو سپاه به تصویر کشیده شده است که هنرمند به خوبی توانسته است این صحنه را مجسم نماید. زمین به رنگ سبز مایل به قهوه‌ای با گل‌های سرخ و ساخت و ساز سیاه آفریده شده که به نگاره روح و روان ویژه‌ای بخشیده است (تصویر ۱۰).

از ویژگی‌های نگاره، نوع ترکیب‌بندی منسجم آن است که موضوع اصلی داستان را در مرکز نگاره به تصویر کشیده است و همین امر باعث شده که نگاره از حرکت و هیجان ویژه‌ای برخوردار باشد. اما در قسمت ساخت و ساز درخت و تزیینات به کار برده شده در ابزارآلات جنگی، به خوبی تأثیرپذیری از هنر اروپا و هند را می‌توان دید. در گوشه بالای سمت راست نگاره «رقم نگارگر محمد سمیع محمد شفیع» دیده می‌شود.

ترقیمه (واپسین برگ نسخه خطی ۱۰۴۴ ه.ق. کابل)

آنچه که در برگ‌های انجام نسخ خطی خاطر را زنده می‌کند ترقیمه است. ترقیمه به معنی کتابت کردن و آراستن و نقطه‌گذاری خط است ولی در اصطلاح نسخه‌نویسان و کاتبان، عبارت پایان نسخه‌ها را شامل می‌شود که کاتب پس از دعا و صلوات، از زمان و مکان کاتب کتاب یاد می‌کند و به ذکر خود می‌پردازد (تصویر ۱۱). به حق می‌توان ادعا نمود که ترقیمه‌های نسخ، محل ارائه ذوق انشایی و بیانی کاتب بوده و نسخ خطی ترقیمه‌های متنوعی دارند که با دیدن آن‌ها آه حسرت از نهادمان برمی‌خیزد که چرا تاکنون در جمع‌آوری و ارائه آن‌ها که گویای سلیقه و نگرش ادبی و ذوقی هنری جماعتی کاتب فاضل است کوتاهی شده است.

ترقیمه‌ها در واقع شناسنامه‌های نسخ خطی هستند، چرا که بر اساس آن‌ها می‌توان به نسخه‌شناسی تاریخی نسخ پرداخت. لازم به ذکر است که کل آثار خطی دارای ترقیمه نیستند و از بین مواردی هم که ترقیمه دارند، گاه دیده می‌شود در نسخی ترقیمه‌ها دستکاری شده است؛ یا در برخی نسخ، ترقیمه را کاتبانی دیگر نگاشته‌اند و به نسخه افزوده‌اند و در حقیقت به دلیل سوداگری گروهی سودجو، کتابت نسخی به کاتبان مشهور نسبت داده شده است و یا همانطور که گفته شد برای کهنه‌نمایی نسخه در تاریخ ترقیمه دست برده‌اند (یاری‌راد، ۱۳۷۵، ۱۸۰).



شکل ۱۱. ترقیمه، واپسین برگ «اندر تاریخ سرودن شاهنامه» مربوط به شاهنامه ۱۰۴۴ ه.ق. موجود در آرشیو ملی کابل.

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های نگاره‌های این شاهنامه (مورخ ۱۰۴۴ ه.ق.) سنخیت آن‌ها با کلامی است که با نگاره‌ها همراهی دارد که بدون شک این نشست و سنخیت دو هنر نقاشی و شعر پارسی در کنار هم باعث به‌وجود آوردن حس و روحی ویژه در مخاطب می‌شوند. اشعاری با خط زیبای نستعلیق نگاشته شده و موضوع داستان به تصویر درآمده شده را بیان می‌کند که در عین دیدن و حتی لمس کردن برگ‌های آن نوعی آرامش و زیبایی را برای روح و ذهن به ارمغان می‌آورد.

آنچه در نگاره‌های این نسخه دیده می‌شود، شیوه‌های گوناگون نقاشی در نسخه است. به‌نظر می‌رسد که در نسخه‌آرایی این نسخه چندین هنرمند نگارگر مشغول بوده‌اند و می‌توان آن را به سه شیوه تقسیم‌بندی نمود. شیوه نخست مربوط به نگاره‌هایی هستند که پیرو مکاتب پیشین بوده و هنرمند کوشیده است همه داشته‌های پیشین هنری را که بزرگان این خطه آفریده‌اند حفظ نموده و تا حد توان از عناصر و ترکیب‌بندی‌های آن‌ها در نگاره‌های خویش استفاده نماید. شیوه دوم را می‌توان مربوط به آن تعداد نگاره‌های دانست که در آن‌ها اندک پیروی از مکاتب غرب و هند صورت گرفته است و آنچه در آن‌ها دیده می‌شود همان حس و روح شرقی است که باعث گردیده نگاره از همان ویژگی منحصر به فردی برخوردار باشد که در تمام نگاره‌های دوران‌هایی متمادی وجود داشته است. آن‌طور که دیده می‌شود هنرمند این نگاره‌ها کوشیده است پیرو مکاتب پیشین هنری این سرزمین باشد. شیوه سوم به آن دسته از نگاره‌هایی مربوط می‌شود که توسط محمد سمیع محمد شفیع به تصویر کشیده شده‌اند و در آن شاهد تأثیرپذیری شدید از هنر غرب و هند هستیم. هنرمند در آثار خویش کوشیده تا نهایت استفاده و تأثیرپذیری را به تصویر درآورد. با این همه آنچه که باید گفت این است که زمان و شرایط سیاسی حاکم وقت هم تأثیر خویش را بر نگارگری این زمان داشته است، چرا که هنرمند در آثار خویش تأثیر هنر غرب را به نمایش می‌گذارد تا نقاشی‌اش به عبارتی به فروش رسد یا نگاه گردشگران و سیاحان غرب را به‌خود جلب نماید.

فهرست منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۹) *مرزهای ناپیدا*، انتشارات یزدان، تهران.
- برتلس، یوگنی ادوارد دویچ (۱۳۷۰) *فردوسی و سروده‌هایش*، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات هیرمند، تهران.
- حمیدی، بهمن (۱۳۷۵) *سه گفتار درباره شاهنامه فردوسی*، انتشارات توسعه، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، چاپ سوم، انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، تهران.
- رضا، فضل‌الله (۱۳۷۴) *پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی (تفسیر و تحلیل شاهنامه برگزیده اشعار)*، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- نسخه خطی (۱۰۴۴ ه.ق.) موجود در آرشیو ملی کابل افغانستان.
- یاری‌راد (احد، ۱۳۷۵) *بررسی صفحه‌آرایی در نسخ خطی به جا مانده از قدیم (یک دوره پانصدساله از عهد تیموری تا پیدایش چاپ سنگی - ۱۲۹۹ م/ ۷۹ ه.ق.)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.